

بحران‌های اقتصادی به‌عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌المللی

علی رنجبر کرمانی*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۲/۱۵

دکتر عباس منتهایی**

تاریخ تأیید مقاله: ۹۵/۰۳/۲۲

صفحات: ۳۷-۷۶

چکیده

امروزه وابستگی متقابل همراه با درهم تنیدگی اقتصاد جهانی سبب شده تا بحران اقتصادی در یک کشور به بحران جهانی تبدیل شود و طیف وسیعی از کشورها را به درجات متفاوت متأثر از خود سازد. تحقیقات صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد که ارتباط مستقیمی میان بی‌ثباتی‌های اقتصادی با بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی برقرار است، گسترش دامنه بحران اقتصادی می‌تواند امنیت ملی و بین‌المللی را در ابعاد سیاسی و اقتصادی دچار تحول نماید. مقاله حاضر با هدف بررسی ریشه‌ها، پیدایش، ابعاد، راهکارهای طرح دعوی و جبران خسارات وارده به تابعان، براساس اصول و قواعد حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در محاکم حل و فصل اختلافات بین‌المللی سرمایه‌گذاری با روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است که نتایج حاصله حاکی از آن است که افزایش دامنه تحولات جهانی و شبکه‌ای شدن جهان معاصر و تأثیر آن بر مؤسسات پولی و مالی به عنوان شاخه‌ای از اقتصاد جهانی، شرایط را برای ایجاد یک بحران بزرگ اقتصادی فراهم می‌نماید که در این خصوص کشورها می‌توانند از طریق تعامل، همکاری و تغییر ساختار در برخی از نهادهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و غیره نقش مؤثر و پیشگیرانه‌ای را ایفا نمایند.

کلیدواژه‌ها: بحران اقتصادی، تهدید، صلح و امنیت بین‌المللی، حل و فصل

اختلافات

* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

** استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

مقدمه

رونق، رکود و بحران جز لاینفک نظام سرمایه داری است که در طول تاریخ به اشکال مختلف بروز و ظهور نموده و در نهایت، تکامل سرمایه داری را در پی داشته است. چرخه‌های مختلف رونق و رکود که در شرایطی به بحران تبدیل می‌شوند، روند تکامل نظام سرمایه داری در چند قرن اخیر را شکل داده‌اند. بحران مالی در سال ۲۰۰۸ که در آمریکا به دلیل اعطای وام‌های آسان و بی ملاحظه در بخش ساختمان و مسکن رخ داد به تدریج به یک بحران بزرگ تبدیل شد و بسیاری از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را در آستانه ورشکستگی قرار داد (واعظی، محمود، ۱۳۸۸). بحران نظام مالی و پولی بین‌المللی زیر مجموعه‌ای از بحران اقتصاد جهانی است و از همین رو، بحران مالی به سرعت به بحران اقتصادی مبدل می‌شود. رویکرد سیستمی در بحران جهانی اقتصاد موجب می‌شود که امواج این بحران دیگر لایه‌های اقتصادی چون تجارت، مالیه، سرمایه‌گذاری، بورس، بانکداری، بیمه، بازار کالا، کار و خدمات و غیره را در برگیرد (همان؛ ص ۷).

اقدامات اضطراری ملی دولت‌های بحران زده در مواجهه با بحران اقتصادی جهانی از سال ۲۰۰۸ میلادی در سراسر جهان به صورت فراگیر آغاز شد. در نتیجه این اقدامات نه تنها کشورهای در حال توسعه سرمایه پذیر بلکه کشورهای صنعتی و توسعه یافته نیز طی سازوکارهایی، اقدام به انعقاد معاهده سرمایه‌گذاری و بعضاً خود سرانه و تبعیض آمیز بین خود نمودند که با اعتراضات فراوان سرمایه‌گذاران خارجی در کشور میزبان مواجه شدند. به دلیل درگیر بودن دولت‌ها با بحران اقتصادی، رسیدگی به منافع سرمایه‌گذاران بین‌المللی در اولویت کاری قرار نگرفت. در فقدان چنین امکانی، حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در مقایسه با سازوکارهای حل و فصل اختلافات سازمان‌های تجاری اهمیت و کارایی خود را بیش از پیش نمایان کرد که پیش بینی می‌شود همچنان روند صعودی خود را حفظ نماید (جلالی، محمود، ۱۳۸۳).

به طور کلی امروزه درهم تنیدگی و وابستگی اقتصاد جهانی سبب شده تا بحران نظام مالی به عنوان زیر شاخه‌ای از بحران اقتصادی در کشورها به خصوص کشورهای بزرگ اقتصادی به سرعت به یک بحران اقتصادی جهانی تبدیل شود و طیف وسیعی از کشورهای جهان را به درجات متفاوت متاثر از خود نماید. از آنجا که ارتباط مستقیمی بین بی‌ثباتی‌های اقتصادی با بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی در سطوح ملی، و بین‌المللی برقرار است، گسترش دامنه بحران اقتصادی می‌تواند امنیت و صلح بین‌المللی جهانی را در ابعاد سیاسی و اقتصادی در معرض تهدید قرار دهد (بلورفروشان، محسن، ۱۳۸۷). از اینرو در این مقاله به بررسی بحران‌های اقتصادی بعنوان تهدید صلح و امنیت بین‌المللی پرداخته می‌شود. بدین منظور پس از واکاوی مفاهیم نظری مرتبط با موضوع، به توضیح اثرپذیری صلح و امنیت بین‌الملل از بحران‌های اقتصادی، بررسی چگونگی شکل‌گیری بحران‌ها، تشریح اقدامات اضطراری منطقه‌ای و بین‌المللی دولت‌ها، شناخت حقوق سرمایه‌گذاران و قواعد ضمانت آنها بر مبنای حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در شرایط بحرانی و جمع بندی مطالب واره‌به پیشنهادها پرداخته شده است.

مفاهیم و مبانی نظری

الف) بحران‌های اقتصادی

بحران اقتصادی عبارتست از پیدا شدن اضافه تولید یعنی پرشدن بازار از کالاهایی که تقاضا برای آنها نیست. به بیان دیگر موقعیتی که در آن اقتصاد یک کشور به عللی مانند یک بحران مالی دچار رکود می‌شود، کشوری که دچار بحران اقتصادی است به احتمال زیاد کاهش GDP، کمبود نقدینگی، تورم یا کاهش قیمت‌ها را تجربه می‌کند (سیف، احمدی، ۱۳۸۰). لذا این وضعیت می‌تواند بر روی یکی از سه رکن اقتصادی یعنی رشد اقتصادی، تورم و یا اشتغال شکل گیرد. این بحران بدون در نظر گرفتن شرایط زمانی، به لحاظ کوتاه مدت یا بلند مدت می‌تواند رفاه

اقتصادی کل افراد جامعه را کاهش داده و به شدت بر روی نرخ ارز تاثیر گذار باشد (محمودی، سید محمد؛ ۱۳۸۲). که در اینجا می‌توان به بحران‌های ۱۹۲۹ موسوم به وال استریت، شرق آسیا، ۲۰۰۷-۲۰۰۸ آمریکا و یونان اشاره نمود.

ب) صلح و جایگاه آن در نظام بین‌الملل

واژه صلح در لغت به معنی مسالمت، سازش و از بین بردن نفرت و دشمنی میان مردم بوده و با جنگ و جدال در تضاد است. از نظر روابط بین‌الملل مقصود از صلح، احتراز از اختلاف و برخورد شدید با سایر کشورها است. به عبارت دیگر صلح ثبات نسبی نظامی و فقدان اختلاف و بی‌نظمی در سیستم امنیت بین‌الملل است. از منظر حقوق بین‌الملل نیز صلح با یک سند تعهد آور و ملتزم کننده کشورها به رعایت یک سلسله ترتیبات در روابط بین‌الملل حاصل می‌شود (گلدستین، ۱۹۹۲). صلح تا قبل از تأسیس ملل متحد، در روابط بین‌المللی نیز همین مفهوم را داشت. لکن ملل متحد، مفهوم صلح را وسعت داده و آن را به عنوان «یک نظم بین‌المللی مبتنی بر عدالت» تلقی کرده است. بنابراین از این دیدگاه، صلح صرفاً فقدان جنگ نیست، بلکه انجام هر عملی که در تعارض با عدالت باشد و می‌تواند سبب تهدید صلح و نقض آن محسوب شود. این دیدگاه پس از اتمام جنگ سرد قوام یافت و سران اعضای شورای امنیت در اعلامیه‌ای در پایان نشست خود در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ اعلام داشتند: «امروز دیگر فقدان جنگ و مخاصمه مسلحانه میان دولت‌ها به مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی نیست، بلکه عدم ثبات و پایداری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و حتی نقض حقوق بشر نیز می‌تواند تهدید علیه صلح و امنیت جهانی به حساب آید» (اشرافی، داریوش (۱۳۹۲). گلدستین^۱ عنوان نمود، صلح را باید چیزی فراتر از فقدان جنگ دانست و صرف عدم وجود جنگ، تضمین نمی‌کند که در آینده جنگی رخ ندهد.

1- Goldestein

صلح مثبت صلحی است که سعی می‌شود دلایل بروز درگیری‌ها حل و فصل شوند. صلح مثبت، مجموعه عملیاتی محسوب می‌شود که معمولاً شامل حذف خشونت ساختاری است که از دلایل بروز درگیری‌ها قلمداد می‌گردد. بنابراین تعریف مضیق و منفی از صلح، غیرکافی به نظر می‌رسد و با رهیافت عدالت در تعارض است (شایگان، فریده، ۱۳۸۰). اگر صلح بطور مضیق، صرفاً به عنوان تهدید یا توسل به زور، علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هردولت تعریف شود یا به بیان دیگر به معنی عدم وجود تهدیدی برای وضع موجود یا عدم نقض آن یعنی صلح منفی^۱ تلقی شود.

ج) امنیت و جایگاه آن در نظام بین‌الملل

به طور کلی واژه امنیت به نوعی احساس روانی اطلاق می‌شود که به خاطر مبرا بودن از ترس، وضعیت آرامش و اطمینان خاطر احساس می‌شود. در مفهوم کلی، امنیت به برحذر بودن از خطراتی اطلاق می‌شود که منافع و ارزش‌های انسان‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد (اشرافی، داریوش، ۱۳۹۲). بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد تاکنون مفاهیم مختلفی از امنیت پا به عرصه وجود گذاشته که یکی از این مفاهیم شعار امنیت مشترک^۲ می‌باشد. این دیدگاه سنتی به این لحاظ مد نظر قرار گرفت که هرچه کشوری امن تر باشد این وضعیت به امنیت سایر کشورها نیز کمک خواهد کرد، بعدها با ارائه مفهوم امنیت جامع، چالش ریشه‌ای تری نسبت به مفهوم امنیت ایجاد شد (پالم، ۱۹۸۲).^۳ در ادبیات نوین، مفهوم امنیت انسانی^۴ رواج پیدا کرده که به معنی ایمنی از تهدیدهای جدید دنیای امروز نظیر گرسنگی، فقر، ستم دیدگی و آثار و تبعات زیان بار ناشی از شکل‌گیری زندگی جهان معاصر

1- Negative peace

2- Common Security

3- Palme. O. , (1982)

4- Human security

است (لونرگان، اس، ۱۹۹۹).^۱ سالیان متمادی مقوله و مفهوم امنیت در مواجهه با مفهوم نظامی آن درک می‌شد و هرگاه جایی فارغ از تنش‌ها و درگیری‌های نظامی بود، ادعای برقراری امنیت نیز مطرح می‌شد. این تصور سنتی از مفهوم امنیت ادامه داشت تا آنکه برنامه توسعه ملل متحد دکترین امنیت انسانی را تدوین نمود. امنیت انسانی تحت تأثیر متغیرهای بین‌المللی و منطقه‌ای که بحران محسوب می‌شود همواره مورد تهدید قرار داشته و هر چه بر دامنه گسترش جهانی شدن و ابعاد آن افزوده می‌شود نسبت به آن دسته از کشورهایی که آسیب‌پذیری بیشتری دارند این تهدیدات در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تشدید خواهد شد (نوبد نیا، منیژه؛ ۱۳۸۴). عنصر کلیدی مفهوم سنتی امنیت، امنیت ملی است که ناظر بر امنیت نظامی کشورها است به همین منظور، چالشی که بر این مفهوم وارد می‌شود این است که گاهی تأکید بر مفهوم حاکمیت، خود موجب می‌شود که تهدیدی عمده علیه امنیت مردم آن کشور یا سایر کشورها به شمار آید. بنابراین اگر امنیت را به صورت انسان‌مدارانه تری ارزیابی کنیم، توجه بیشتر به حقوق بشر خواهد بود (بوث.ک، ۱۹۹۹).^۲ بدین ترتیب مقدمه منشور ملل متحد، نیل به عدالت و شرایط مناسب زندگی برای انسان‌ها و تحقق اهداف مندرج در سند مؤسس سازمان ملل متحد را تحت دو زمینه اعلام می‌دارد: محفوظ نگاه داشتن نسل‌های آتی از بلای جنگ و ایمان به حقوق اساسی بشر. این دو مقدمه همان چیزی است که بستر برجسته شدن صلح و امنیت بین‌المللی را به عنوان مهمترین و اصلی‌ترین هدف سازمان ملل متحد فراهم می‌سازد (راجان.ک.اف، ۱۹۶۱).^۳ عبارت صلح و امنیت بین‌المللی که در فصل هفتم منشور ملل متحد آمده می‌تواند با عبارت صلح و امنیت نوع بشر مرتبط باشد. گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد در سال ۱۹۹۴ صریحاً به واژه امنیت انسانی اشاره دارد که

1- Lonergan. S. , (1999),

2- Booth. K (1999),

3- Rajan. C. F (1961).

ناظر بر نیازهای اساسی مردم است. امنیت انسانی مرکب از تعدادی از حوزه‌های حیاتی چون امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت بهداشتی، امنیت زیست محیطی، امنیت شخصی، امنیت جمعی و امنیت سیاسی می‌باشد (مابی، ب، هومن ۲۰۰۳).

اثرپذیری صلح و امنیت بین‌المللی از بحران‌های اقتصادی

در دوران پس از جنگ سرد امنیت اقتصادی در کلیه زمینه‌های مربوط به امنیت، اهمیتی بسیار اساسی یافته و البته تاثیر آن بر کشورهای مختلف با توجه به جایگاهی که در روند توسعه اقتصادی دارند متفاوت است. عامل اقتصادی در روابط بین‌الملل نقش محوری یافته و امنیت اقتصادی بخش اساسی امنیت کشورها را تشکیل می‌دهد و نه تنها کشورهای پیشرفته بر مسائل اقتصادی، تولید، علوم و فنون و بازار تاکید دارند، بلکه کشورهای در حال توسعه نیز در مواجهه با روند جهانی شدن، ناگزیر به حضور فعال در بزرگراه اقتصاد جهانی هستند و بسیاری از کشورها امنیت اقتصادی را برترین عامل و هدف در امنیت جامع خود تلقی می‌کنند (امیدوارنیا، محمدجواد؛ ۱۳۸۱).

یکی از مواردی که نشان دهنده رابطه میان وضعیت‌های اقتصادی و صلح و امنیت بین‌المللی است وجود وابستگی‌های اقتصادی و مالی بین کشورها می‌باشد. هورست تلچیک^۲ در کنفرانس مونیخ در رابطه میان توسعه اقتصادی و امنیت جهانی در سال ۲۰۰۵ به طرح این ایده پرداخته است که توسعه اقتصاد جهانی، به کاهش چشمگیر احتمال بروز منازعات نظامی میان کشورها می‌انجامد. پتریک مک دونالد^۳ در مقاله‌ای با عنوان «صلح از طریق تجارت یا تجارت آزاد؟» می‌نویسد: «بحث بر سر نقش تجارت بین‌الملل در تغییر سیاست خارجی کشورها و به طور خاص تصمیمات آنها در مورد جنگ، جایگاه مسلط خود را در رشته‌های روابط

1- Mabee, B. Human (2003).

2- Horst Teltschik

3- Patrick Mc Donald

بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل باز یافته است». در توضیح منطقی این نتایج تجربی می‌توان به تأثیر تجارت بر افزایش ارتباطات و پیوندهای فراملی اشاره کرد. حتی بررسی‌های صورت در این زمینه حاکی از آن است که بسیاری از خشونت‌ها فرقه‌ای و پاکسازی نژادی در برخی کشورها مانند یوگسلاوی سابق ناشی از نابرابری‌های اقتصادی (شوگ نفتی ۱۹۷۳) می‌باشد به عبارتی نابرابری اقتصادی و تبعیض نژادی در هم آمیخته است (گلریزی، حسین ۱۳۶۹). همچنین در این خصوص نگرانی عمده این است که در صورتی که دولت‌ها نتوانند هزینه‌های نیروهای امنیتی و خدمات شهری را بپردازند (پیامدهای نابرابری‌های اقتصادی)، این شرایط منجر به سوء استفاده گروه‌های تروریستی و یا فعالیت جنایی نظیر موادمخدر خواهد شد (لوکاس.ب و باکرانیا.شا؛ ۲۰۰۹) به عبارت دیگر، بحران نظام پولی و مالی بین‌المللی با امنیت بشری و نیز امنیت بین‌المللی گره خورده است (واعظی، محمود (۱۳۸۸).

کارشناسان امنیتی آمریکا نیز گزارش دادند که رکود اقتصادی منجر به ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی در برخی نقاط استراتژیک دنیا شده است و هشدار داده اند که یک رکود طولانی در بلند مدت می‌تواند منافع امنیتی ایالات متحده آمریکا و غرب را تضعیف کند. بلر^۱ (رئیس سابق سیا) نیز در ۱۲ فوریه سال ۲۰۰۹ در کمیته اطلاعات سنا که به منظور دغدغه‌های امنیتی رکود اقتصادی برگزار شده بود هشدار داد که «در صورتی که بحران‌های اقتصادی برای یک تا دو سال دیگر افزایش یابد به بی‌ثباتی سیاسی دولت‌هایی که متحد واشنگتن می‌باشند خواهد شد.» (کارملی.ب و کارون.ت ۲۰۰۹)^۲ به طور کلی پیدا کردن یک راه کار مناسب برای مقابله با اثرات بحران اقتصادی با توازن بین نیاز به ایجاد ثبات در

1- Blair, Dennis

2- Crumly. B & Karon. T (2009).

اقتصاد و نیاز به حفظ قابلیت‌های دفاعی به منظور جلوگیری از مشکلات امنیت ملی، یک مسئله چالش برانگیز برای هر دولتی می‌باشد (کونس تاتیزک؛ ۲۱۱).^۱

شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی

دو نمونه شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی در جهان که از اهمیت بیشتری برخوردارند:

الف) بحران اقتصادی شرق آسیا

بروز بحران اقتصادی در شرق آسیا در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ میلادی می‌تواند درک و شناخت ما را از بحران مالی بین‌المللی ۲۰۰۸ بیشتر کند. ستون پایه رشد اقتصادی کشورهای شرق آسیا جذب سرمایه‌های خارجی و گسترش صادرات به سایر نقاط جهان بود. این روند، جذب سرمایه‌های خارجی به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و خرید اوراق بهادار را به همراه داشت. رونق اقتصادی در آمریکا و اروپا و پیش‌بینی کاهش سود دهی سهام در دست سرمایه‌گذاران در بازار شرق آسیا، آنها را به خروج سرمایه‌های خود از این منطقه اغوا کرد که این خود علت اصلی بروز بحران شد. کشورهای بدی بیشتر برخوردار بودند مانند کشورهای تایلند و اندونزی از شدت بحران، آسیب‌های بیشتری دیدند و حتی در پی بروز بحران، بخشی از کشور خود را از دست دادند (اندونزی). یکی دیگر از علل بروز بحران در این منطقه، سرمایه‌گذاری کلان در فعالیت‌های غیر تولیدی و غیر صادراتی نظیر املاک، مستغلات و سفته بازی بود. بدین ترتیب آهنگ رشد اقتصادی در کشورهای این منطقه کندتر شد. صندوق

1- Constantinescu. M (2011).

بین‌المللی پول گزارش داد که بروز بحران مالی در شرق آسیا، آهنگ کند رشد اقتصادی به شرح ذیل را به همراه داشته است:

- رشد اقتصادی کره جنوبی در سال ۱۹۸۸ از ۳/۵ درصد به ۲/۵ درصد.
- رشد اقتصادی اندونزی در سال ۱۹۹۸ از ۴/۲ درصد به ۲ درصد.
- رشد اقتصادی تایلند در سال ۱۹۹۸ صفر شد.

کسری تراز حساب جاری کشورهای آسیایی در سال ۱۹۹۸ افزایش پیدا کرد و صندوق بین‌المللی پول این افزایش را در سال ۱۹۹۸، ۲۹ درصد و تا سطح ۲۳۰ میلیارد دلار برآورد کرد. برخی صاحب نظران امور امنیت و اقتصاد از جمله مایلز کالر^۱ نقش نهادهای پولی و مالی بین‌المللی در مهار بحران مذکور در شرق آسیا را جدی می‌دانست و در مقاله‌ای نیز خاطر نشان ساخت که بحران بعدی مالی و پولی بین‌المللی (منظور پس از بحران مالی شرق آسیا)، تأثیرات عمیقی بر اقتصاد بازار آزاد، اقتصادهای تک محصولی و مهم تر از همه بر تکنولوژی پیشرفته آمریکا با توجه به آسیب‌پذیری امنیتی و اقتصادی آن کشور در پی واقعه ۱۱ سپتامبر و جنگ‌های ۲۰۰۲ افغانستان و ۲۰۰۳ عراق خواهد داشت (عادلی، محمد حسین؛ ۱۳۸۷).

ب) بحران اقتصادی بزرگ سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در آمریکا

شکل‌گیری بحران مالی در آمریکا دلایل مختلف سیاسی و اقتصادی دارد که در این مقاله به طور مختصر به آنها پرداخته می‌شود. در اوایل هزاره جدید، نشانه‌های جدی از رکود در اقتصاد آمریکا پدیدار شد و بورس این کشور به شدت سقوط نمود مسئولان اقتصادی در آن زمان جهت جلوگیری از وقوع بحران اقتصادی، با کاهش نرخ بهره و افزایش اعتبارات عامه مردم، تقاضای بسیار بالایی را در بخش مسکن ایجاد نمودند. ترکیب سیاست‌های انبساطی در آمریکا در آن زمان کارآمد بود و باعث افزایش تقاضا در بازار مسکن و به تبع آن جلوگیری از رکود اقتصادی

1- Miles kahler

گردید • اهمیت این موضوع در آن است که اکثر مردم آمریکا خرید خانه را به کمک وام انجام می‌دهند که ارزش این وام تا ۹۵ درصد ارزش کل خانه نیز می‌رسید این تحول، افزایش تقاضا برای مسکن را ایجاد کرد چون در شرایط افزایش قیمت مسکن به هر حال خریدار حتی در صورت مواجه شدن با مشکل بازپرداخت اقساط، خانه خود را با قیمتی بالاتر از قیمت خرید می‌فروخت و بدهی بانک را پرداخت می‌کرد براین اساس، بانک‌های آمریکایی از سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ شرایط اعطای وام مسکن را تسهیل کردند و بسیاری از دلان مسکن نیز در این بخش فعال و به تدریج با رونق بخش مسکن، عرضه ی مسکن نیز از تقاضا پیشی گرفت علاوه بر این بسیاری از افراد بدون اعتبار و پشتوانه کافی اقدام به خرید مسکن در حدی فراتر از توانایی بازپرداخت خود کردند و یک تقاضای همزمان و فشرده طلبکاران مشکلات بانکی را به سایر بانک‌ها منتقل کرد و به سرعت سراسر بازار سرمایه را در بر گرفت؛ و با توجه به اینک بخش مسکن و صنعت ساختمان ۱۵ درصد اقتصاد آمریکا را شکل می‌دهد، بحران در این بخش اقتصاد آن کشور را متأثر ساخت (بلورفروشان، محسن؛ ۱۳۸۷).

ج) بحران اقتصادی یونان

از سال ۲۰۰۲ که استفاده از پول واحد اروپایی در مراودات اقتصادی و تجاری در تعدادی از کشورهای اروپایی رسمیت یافت؛ شماری از کارشناسان اقتصادی در همان زمان پیش بینی کردند که آینده نه چندان روشنی در انتظار سرنوشت وحدت پولی اروپا خواهد بود. امروز با توجه به تحولات یونان می‌توان ادعا کرد که این پیش بینی درست بوده است. عدم سنخیت بین اقتصادهای قوی و ضعیف عضو یورو به ویژه میان اعضای بهره مند از قدرت تولید تجاری مازاد و اعضای دچار کسری تجاری نظیر یونان، هژمونی اقتصادی آلمان و تلاش این کشور برای

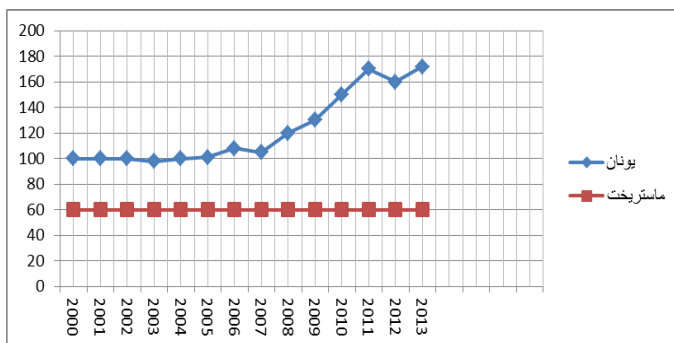
سلطه اقتصادی و سیاسی بر اعضا، نبود نظارت بر نظام بودجه نویسی اعضای یورو در کنار وحدت پولی، بی انضباطی مالی اعضا، نبود مکانیسم‌های نظارتی بر عملکرد بانک‌های اروپایی و نیز وجود اقتصادهای رقابتی و غیررقابتی در کنار یکدیگر، موجب شد تا کشورهای ضعیف منطقه یورو به دلیل متحمل شدن کسری بودجه‌های شدید به دریافت وام‌هایی اقدام نمایند که از عهده بازپرداخت آنها بر نیایند، به طوری که در نهایت در سال ۲۰۰۸ بحران اقتصادی که از آمریکا شروع شده بود به سرعت کشورهای اروپایی را از یونان گرفته تا پرتغال، اسپانیا و ایتالیا یکی پس از دیگری در نوردید و این کشورها را تا مرز ورشکستگی پیش برد(امین آبادی، محمد؛ ۱۳۹۴).

یونان به دنبال بحران بدهی‌ها که از سال ۲۰۱۰ عملاً گریبانگیر آن کشور شد، دوران دشواری را پشت سر گذاشت. سیاست‌های ریاضتی که پس از اعطای بسته کمک‌های مالی در پیش گرفته شد، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی وخیمی برای مردم یونان در پی داشت و سبب افزایش نرخ بیکاری و گسترش فقر گردید. در انتخابات ژانویه ۲۰۱۵ حزب چپ‌گرای سیریزا به رهبری آلکسیس سیپراس به دنبال ناامیدی مردم از عملکرد احزاب عمده این کشور مانند حزب سوسیالیست (پاسوک) و حزب دموکراسی نوین، به پیروزی رسید. این حزب اعلام کرده بود که با برنامه‌های ریاضتی مخالف است و ضمن اینکه خواستار بخشودگی وام‌های جاری این کشور شد(ایزدی، پیروز؛ ۱۳۹۴).

دولت یونان تحت فشار بانک مرکزی اتحادیه اروپا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به ادامه سیاست ریاضت اقتصادی برای برون رفت از بحران مالی، تشویق می‌شود، اما ادامه‌ی سیاست مذکور نه تنها باعث بهبود وضعیت اقتصادی این کشور نشد، بلکه هر روز بر مشکلاتش افزوده گردید تا جایی که شمار زیادی از مردم این کشور قادر به تأمین مواد غذایی روزانه‌ی خود نبودند و برای رفع

نیازهای اولیه به سازمان‌های مردم‌نهاد، روی آورده‌اند و حتی شمار افراد بی‌خانمان در این کشور حدود ۲۵ درصد افزایش یافته و شمار خودکشی‌ها که بسیار نادر و ناشناخته بود، امروزه به‌طور بی‌سابقه‌ای رو به گسترش نهاده است. شمار زیادی از خانواده‌ها از روشنایی برق محروم‌اند و عده زیادی نیز بعلت نداشتن پول کافی برای خرید سوخت، به سوزاندن چوب و هیزم روی آورده‌اند (سمیعی اصفهانی، علیرضا و نیری، هومن، ۱۳۹۴).

موقعیت فعلی این کشور ناشی از سیاست‌های غلط طی ۲۵ الی ۳۰ سال گذشته است. این وضعیت ارتباط نزدیکی با بی‌کفایتی و بی‌نظمی‌های مالی دولت، بازنشستگی ناپایدار، قدرت رقابتی پایین، شیوه‌های پوپولیستی احزاب سیاسی و مشکلات سازمانی و سیاسی در اروپا دارد. در پیش از بحران، میزان بدهی‌های یونان در تولید ناخالص داخلی یکی از بالاترین‌ها در اروپا است. این نرخ بویژه پس از سال ۲۰۰۰ روند صعودی داشت و در سال ۲۰۱۳ به بیش از ۱۶۰ درصد رسید، نرخ‌هایی که حتی بیشتر از ملاک ماستریخت^۱ (۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی) بود. نرخ کسری بودجه عمومی به تولید ناخالص داخلی در یونان همواره بالاتر از میانگین منطقه اروپا از زمان ورود یونان بوده است (ازتورک.اس و سوزد میر. آ، ۲۰۱۵).



بدهی خالص کلی یونان بر حسب تولید ناخالص داخلی (GDP)

1- Maastricht

در کل برخی از دلایل ریشه‌های بحران بر اساس اعلام سیستم بانکی یونان عبارتند از:

- ۱- ادامه بحران از ۳۶ سال قبل
 - ۲- بدهی عمومی بالا و رو به افزایش
 - ۳- عدم وجود تلاش نظامدار برای کنترل هزینه‌ها و جلوگیری از فرار مالیاتی
 - ۴- ادامه رقابت نامناسب پس از ورود به EMU^۱ (اتحادیه اقتصادی و پولی اروپا)
 - ۵- ورود بدون آمادگی به اتحادیه اقتصادی و پولی اروپا و گیرافتادن در دو تله: تله بدهی و تله رقابت (مانس سی آتیس، ب، ۲۰۱۱).^۲
- به طور خلاصه شاخص‌های اقتصاد کلان یونان طی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ به شرح جدول ذیل می‌باشد:

شاخصهای اقتصادی کلان نرخ متوسط (سالانه) (Manessiotis, B : 2011)

	۲۰۰۰-۲۰۰۴	۲۰۰۵-۲۰۰۹
رشد تولید ناخالص واقعی	۴/۵	۲
رشد سرمایه‌گذاری ثابت	۶/۹	-۱/۹
تورم (CPI)	۳/۳	۳
کسری بودجه عمومی دولت (به درصد تولید ناخالص داخلی)	-۵/۲	-۸/۳
کسری بودجه اولیه یا مازاد به درصد تولید ناخالص (داخلی)	۰/۶	-۲/۹
مجموع مخارج دولت به درصد تولید ناخالص (داخلی)	۴۵/۵	۴۷/۵
مجموع درآمد عمومی دولت به درصد تولید ناخالص (داخلی)	۴۰/۳	۳۹/۱
بدهی کلی دولت به درصد تولید ناخالص (داخلی)	۱۰۱	۱۰۹/۷
کسری حساب جاری به درصد تولید ناخالص (داخلی)	-۶/۸	-۱۱/۹

1- Economic and Monetary Union

2- Manessiotis, B (2011)

چگونگی اشاعه بحران‌های اقتصادی

وقوع ریسک در گردش جهانی پولی و مالی با کسری تراز پرداخت‌ها همراه است در نتیجه، روند تسویه پرداخت‌های بین‌المللی دچار رکود می‌شود. امروزه مقررات پولی بین‌المللی جریان تسویه‌های بین‌المللی را اکثراً با نرخ دلار تعیین می‌کند لذا شبکه‌ای شدن جهان معاصر، موجب اشاعه بحران نظام پولی مالی به طرف‌های جهانی می‌شود، بازارهای مالی به دوسته اصلی تقسیم می‌شوند: الف) بازارهای پولی که در برگیرنده بازار بین بانکی است ب) بازارهای مالی، سرمایه و سهام که شرکت‌های مختلف و متعددی را شامل می‌شوند.

در بازارهای پولی آنچه که برای بانک‌ها و موسسات پولی ایجاد درآمد می‌کند، وام دادن است ولی در بازارهای مالی سرمایه و سهام این درآمد با افزایش قیمت سهام و سفته بازی روی سهام ایجاد می‌شود. از جمله بازارهایی که به هر دو عرصه تعلق دارند بازارهای رهنی یا بازارهای اعطای وام مسکن و رهنی است، در واقع، مؤسسات مالی به خریداران مسکن در ازای وثیقه وام می‌پردازند و پی آن درآمد ایجاد می‌کنند.

بحران مالی و پولی بین‌المللی از عوامل گوناگونی از جمله فقدان ساز و کار مقررات تفصیلی ناظر بر اعطای وام به ویژه وام به افراد فاقد توان پرداخت گرفته تا ابزارها و مشتقات مالی نو پدید و نیز عدم توجه و نظارت کافی صندوق بین‌المللی پول در زمینه تحولات پولی و مالی در آمریکا و غیره برای رهانیدن آنها از ورشکستگی حاکی از ورود دولت‌ها به عرصه اداره و امور شرکت‌ها است، بنابراین رشد جهانی در مواجهه با یکی از مهمترین بحران‌های مالی و پولی بین‌المللی درحال از دست دادن سرعت متعادل خود است. این کاهش رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته به ویژه آمریکا که بحران بازار مسکن در سال‌های اخیر فشارهای مالی زیادی را متحمل نمود، بیشتر است. براساس چشم انداز صندوق

بین‌المللی پول از اقتصاد جهان، رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸ به ۳/۷ درصد کاهش یافت طی دو دهه پایانی قرن بیستم رشد قابل توجه سهام شرکت‌ها و دارایی‌ها باعث برخی نگرانی‌ها گردید. با نگاهی به جدول ذیل می‌توان به رشد فزاینده دارایی‌های مالی جهان در دو دهه اخیر پی برد.

ارقام به تریلیون دلار است

سرفصل	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۶	رشد سالانه
سهام شرکت‌ها	۳	۹	۳۲	۵۴	٪۱۰/۴
اوراق قرضه خصوصی	۲	۱۰	۲۲	۴۳	٪۱۰/۷
سپرده‌های بانکی	۵	۱۶	۲۶	۴۵	٪۱۱/۸
سهام کل دنیا	۱۲	۴۳	۹۴	۱۶۷	٪۹/۸
تولید ناخالص داخلی جهان (به همراه آمریکا)	۱۰	۲۲	۳۲	۴۸	٪۵/۷
میزان رشد دارایی‌های مالی جهان	۱۰۱	۲۰۱	۲۰۹	۳۰۵	-

لذا مشاهده می‌شود رشد فزاینده در آمدهای سهام شرکت‌ها، اوراق قرضه دولتی و خصوصی، سپرده‌های بانکی و تولید ناخالص داخلی دنیا که خود باعث رشد خیره‌کننده دارایی‌های مالی دنیا شد از ۱۰۱ تریلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به ۳۰۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۶ رسیده است بنابراین روشن است که این نقدینگی مالی زیاد، ابتدا در جامعه آمریکا و سپس در سایر نقاط دنیا به صورت‌های گوناگون موجب بروز بحران گردیده است (صبوری، حسین؛ ۱۳۸۷).

اقدامات اضطراری و ضروری منطقه‌ای و بین‌المللی دولت‌ها برای مقابله با بحران اقتصادی

الف) اقدامات اضطراری بین‌المللی دولت‌ها برای مقابله با بحران‌های اقتصادی دولت‌ها برای حفاظت از نظام مالی اقتصادی خود در برابر آفات و آسیب‌های ناشی از بروز بحران اقتصادی اقدامات گوناگونی انجام داده‌اند ولی این تلاش جامعه بین‌المللی از طریق همکاری‌های بین‌المللی، برای جلوگیری از این پدیده زیان بار جهانی تاکنون موفق نبوده و به ناچار برای مقابله و جلوگیری از سرایت آن از بخش‌های مختلف بحران زده به دیگر بخش‌های اقتصادی به اقدامات اضطراری ملی و بین‌المللی روی آورده‌اند که اجرای اقدامات مذکور زمینه تداخل میان تصمیمات داخلی دولت‌ها در مقابله با بحران اقتصادی جهانی و تعهدات بین‌المللی ایشان را فراهم آورده است (جلالی، محمود؛ ۱۳۸۳).

دریک نگاه کلی اقدامات اضطراری دولت‌ها برای مقابله با بحران اقتصادی به سه دسته تقسیم می‌شوند که ذیلاً به بررسی این اقدامات پرداخته می‌شود (همان، ۱۶۰).

۱- اقدامات تثبیت کننده نظام مالی اقتصاد داخلی

اقداماتی که دولت‌ها برای تثبیت نظام مالی اقتصاد داخلی انجام می‌دهند در راستای اعتماد سازی در بازار و صنایع بانکی و استمرار تامین وجه توسط بانک‌ها است. تامین نقدینگی، اصلاح نظام اقتصادی به سوی خصوصی سازی یا تقویت بخش دولتی، خرید دارایی‌های بانکی با هدف جلوگیری از سقوط ارزش اقتصادی، افزایش نقدینگی بانکی، اعطای وام بین بانکی و تضمین دولتی سپرده گذاری، نمونه‌هایی از این اقدامات به شمار می‌رود. در اجرای این اقدامات، اعمال تبعیض بسیار محتمل است مثلاً در اکتبر سال ۲۰۰۸، دولت استرالیا متعاقب بحران اقتصادی

جهانی، اعطای وام‌های درخور توجه و تضمین سپرده‌ای را به نفع صنعت بیمه داخلی خود آغاز نمود. اقدامات مذکور فقط به شرکت‌های بیمه، بانک‌ها و موسسات اعتباری استرالیایی و شرکت‌های تابعه استرالیایی بانک‌های خارجی تعلق می‌گرفت درحالی که شعبات بانک‌های خارجی مانند "سی تی بانک"، "کردیت سوئیس" و "یو بی اس" از حمایت‌های مذکور مستثنی شده بودند. این امر باعث انتقال سرمایه از بانک‌های خارجی به بانک‌های داخلی استرالیا شد و خسارات قابل توجهی به بانک‌های خارجی فعال در استرالیا وارد ساخت (جلالی، محمود؛ ۱۳۸۳).

۲- اقدامات اعتباری و اعتماد سازی در بازاری

دسته دوم اقدامات کنترل بحران نیز بیشتر در صنعت بانکداری معمول می‌گردند، با این تفاوت که هدف اصلی آنها اعتماد سازی و بازگرداندن اعتبار نهادهای غیرمالی اقتصادی داخلی است. انگلستان و آلمان دو نمونه از کشورهای مجری اقدامات فوق در طول بحران مالی اخیر هستند. هر دو کشور در طول بحران مقرر داشتند که در صورت کاهش اعتبار بنگاه‌های خرد و متوسط داخلی اعطای وام به بنگاه‌های خارجی متوقف شود. کمیسیون بانکداری فدرال سوئیس نیز اعلام نمود که از سال ۲۰۱۳ دو بانک اصلی داخلی، کسری سرمایه در گردش خود را از بودجه دولتی تأمین نمایند. بر اساس تصمیم دولت سوئیس، بدهی مذکور در محاسبه میزان بدهی به دارایی شرکت‌های تجاری نادیده انگاشته خواهد شد. این کمک‌ها نیز، همچون دیگر تبعیض‌های اعمال شده، بازار سرمایه را به نفع بانک‌های داخلی تغییر داد و موجب ریزش بسیار زیاد سرمایه در بانک‌های خارجی فعال در این کشورها شد (همان، ص ۱۶۲).

۳- حمایت و پشتیبانی از صنایع راهبردی

دسته سوم از اقدامات حمایتی دولت‌ها در زمان بحران نجات صنایع راهبردی از ورطه ورشکستگی است؛ مثلاً دولت ایالات متحده برای حمایت از صنایع خودروسازی داخلی اعطای یارانه تولید به این صنعت را محدود به کارخانه‌هایی کرد که حداقل در این کشور بیست سال سابقه تولید داشتند. این موضوع به جز کمپانی تویاتا که بیش از بیست سال در این کشور سابقه تولید داشت، فقط کارخانه‌های داخلی مشمول این مقررات می‌شدند. علاوه بر این، در سال ۲۰۰۹ دولت آمریکا طی قانونی موسوم به قانون سرمایه‌گذاری و ترمیم آمریکایی برای حمایت از صنعت داخلی فولاد، بسته مشوقی را قانونگذاری کرد که طی آن بهره‌مندی همه پروژه‌های عام‌المنفعه را از تسهیلات دولتی ممنوع اعلام می‌نمود که قبلاً به دلیل عام‌المنفعه بودن تسهیلات دولتی بدان تعلق می‌گرفت مگر آنکه همه آهن و فولاد مورد نیاز پروژه را از محصولات تولیدی آن کشور تهیه نماید. به همین ترتیب بودجه کمیته امنیت سرزمینی به هیچ وجه صرف تولید محصولاتی که در خاک ایالات متحده تولید، فرآوری یا بازیافت نمی‌گردید، نمی‌شد (همان، ص ۱۷۰).

ب) اقدامات ضروری منطقه‌ای دولت‌ها برای مقابله با بحران‌های اقتصادی

همانگونه که اشاره شد، در حال حاضر هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا نماید که از اثرات اقتصادی جهانی مصون مانده است. کشورهای جهان متناسب با میزان وابستگی و همکاری خود با کشورهای بحران‌خیز مانند آمریکا و کشورهای اروپایی، تاثیرپذیری متفاوتی از بحران اخیر داشته‌اند. در شرایط کنونی تنها اقدامات بین‌المللی جهت رفع بحران مؤثر نخواهد بود چرا که ما همواره شاهد تکرار این معضل جهانی هستیم. کشورهای جهان برای مقابله با بحران مالی سعی

نموده اند علاوه بر ارائه راهکارهای بین‌المللی، همکاری خود در قالب سازمان‌های منطقه‌ای نظیر شانگ‌های، اتحادیه اروپا، کشورهای مشترک المنافع، اقتصادهای نوظهور صنعتی آسیا، گروه هفت، همکاری آسیا اروپا (آسیم)^۱، شورای همکاری کشورهای حوزه خلیج فارس، "آسه آن"^۲ و "اوپک"^۳ را جهت یافتن راه‌های جدید، توسعه دهند؛ بنابراین توسعه همکاری‌ها در قالب سازمان‌های منطقه‌ای همواره به عنوان رهیافتی جهت خروج از بحران‌های بین‌المللی، مورد توجه بوده است و برخی از این سازمان‌های منطقه‌ای جهت افزایش توانایی خود برای مقابله با بحران‌ها، ارائه راهکارهای ذیل را ضروری دانسته‌اند:

۱- تأسیس صندوق مبارزه با بحران

پیدایش صندوق بین‌المللی پول، ابتدا موجب دلگرمی بسیاری از کشورهای جهان، مخصوصاً کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته شد؛ اما دیری نگذشت که همگی از ناکارآمد بودن آن در حل تمامی مشکلات مالی جهان به دلیل تحمیل شرایط حامیان، آگاهی یافتند؛ زیرا موسسان اصلی صندوق مذکور که آمریکا در راس آنان قرار دارد، مقررات آن را به گونه‌ای تنظیم کردند که بیشتر تامین‌کننده منافع آنان باشد. به همین دلیل، در برخی مواقع، کشورهای دریافت‌کننده وام، مجبور شدند زیر بار اصلاحات ساختاری فشرده بروند که گاهی اوقات، عملاً نتیجه معکوس داشته است، اما تأسیس صندوق مقابله با بحران در سطح منطقه‌ای با مقررات مخصوص خود که مناسب تمامی کشورهای عضو همان تشکیلات منطقه‌ای باشد، می‌تواند کارایی بیشتر و موثرتری داشته باشد؛ بنابراین تأسیس چنین صندوقی باید به عنوان یک ضرورت جهت توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، در دستور کار قرار گیرد (علیپور، محمدرضا ناندل؛ ۱۳۸۷).

1- ASEM

2- ASEAN (Association of Southeast Asia Nation)

3- OPEC (Organization of the Petroleum Exporting Countries)

۲- تسهیل تجارت درون منطقه‌ای

ایجاد شرایط لازم برای توسعه تجارت درون منطقه ای، می‌تواند رکود موجود را کاهش داده و رونق لازم را به بازارهای بین‌المللی بازگرداند. در واقع کاهش تقاضای جهانی، موجب افت صادرات خواهد شد. در نتیجه صنایع به سمت کاهش تولید پیش رفته و بیکاری افزایش خواهد یافت. آنچه مسلم است در نظر گرفتن گسترش دامنه ترجیحات تجاری، رونق بیشتری ایجاد و گردش بازار سرمایه را روان تر می‌کند (همان. ص ۱۰).

۳- تأسیس و تقویت شرکت‌های بیمه منطقه‌ای

تضمین اصل سرمایه و دارایی، یکی از راه‌های کاهش خطرپذیری در اقتصاد جهان می‌باشد. همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیازمند یک سیستم بیمه‌ای کامل هستند تا تجار با اطمینان بیشتری به فعالیت‌های اقتصادی بپردازند. تأسیس شرکت‌های بیمه منطقه‌ای و ایجاد خدمات (پوشش) بیمه‌ای برای مقابله با بحران، این امکان را فراهم می‌سازد تا در مواقع بحرانی، زیان‌های وارده به حداقل برسد (علیپور، محمدرضا؛ ۱۳۸۷).

۴- تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری مشترک

همانطور که اشاره شد، زیرساخت اقتصادی قوی و بالابودن تولید ناخالص داخلی، عاملی مهم برای رهایی از بحران می‌باشد. سرمایه‌گذاری مشترک در زمینه‌های مستعد در هر کشور، قطعاً به رشد اقتصادی کمک می‌کند. صندوق سرمایه‌گذاری مشترک یک گزینه مناسب برای تجمیع سرمایه‌های سرگردان جهت پیشبرد طرح‌های بزرگ و تقویت زیرساخت اقتصادی مناطق مختلف جهان است.

۵- تعیین پول واحد

تجربه برخی از سازمان‌های بین‌المللی همچون اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که ایجاد پول واحد اروپایی و استفاده از آن در تجارت درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای از دو جنبه قابل تامل است. اول اینکه با توجه به تنوع وضعیت اقتصادی کشورهای عضو، قدرت اقتصادی کشورهای توانمند باعث تقویت پول واحد خواهد شد، دوم اینکه نوسانات این ارز به دلیل داشتن پشتوانه قوی، کم‌تر می‌شود (همان، ص ۱۰).

۶- بهره‌گیری از کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی

با توجه به اینکه سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های تابعه آن، نظیر «آنکتاد» و «یونیدو»، کمک‌های خود را ترجیحاً در قالب طرح‌های منطقه‌ای ارائه می‌دهند، هر سازمان منطقه‌ای می‌تواند با هماهنگی مناسب، کمک‌های بیشتری را به خود اختصاص دهد (علیپور، محمدرضا؛ ۱۳۸۷). در سال ۱۹۶۴، سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه، با تاسیس «تشکیلات همکاری عمران منطقه‌ای» بنیان یک همکاری منطقه‌ای را پایه‌ریزی کردند ولی بعد از وقفه چند ساله در فعالیت‌های تشکیلات اقتصادی مذکور، سه کشور با هدف توسعه روابط و بسط همکاری‌ها در سال ۱۹۸۴ با تاسیس سازمان همکاری اقتصادی (اکو) موافقت کردند. منطقه‌اکو به واسطه واقع شدن در منطقه جغرافیایی ویژه و با اهمیت، سال‌ها به عنوان پل ارتباطی «شرق و غرب» و «شمال و جنوب» مطرح بوده است.

حقوق سرمایه‌گذاران بر مبنای حقوق بین‌الملل در شرایط بحرانی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منظور کسب منفعت دائمی در موسسه‌ای مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه‌گذار صورت می‌گیرد و نتیجه‌ی آن کسب

1- UNCTAD
2- UNIDO

حق رأی موثر در فعالیتهای یک شرکت می‌باشد. به عبارتی دیگر سرمایه‌گذاری به صورت سهام، سرمایه‌گذاری مجدد درآمدها و اوراق قرضه میان یک شرکت مادر و شرکت‌های تابع یا وابسته می‌باشد که به طور کلی به آن اشاره می‌گردد.

الف) هدف از جذب سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاری خارجی یکی از چرخه‌های اقتصاد جهانی به شمار می‌رود که سرمایه‌گذاران به شکل مستقل یا مشارکت در تولید و ساخت کالا، استخراج مواد اولیه و سایر مراحل فعالیت اقتصادی در کشور میزبان حضور می‌یابند. در این مسیر تکنولوژی پیشرفته و آخرین سیستم‌های مدیریتی به همراه سرمایه برای حداکثر ساختن سود به کشور میزبان وارد می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی به دو دلیل، یکی فقدان منابع مالی داخلی و دیگری عدم کارآمدی این منابع در کشورهای در حال توسعه جذب می‌شود.

ب) نگاهی به سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

اقتصاد ایران به دلیل چندین سال درگیری در تحریم‌های اقتصادی، امکان استفاده مناسب از ابزار اعتبارات بین‌المللی را در اختیار ندارد اما به هر حال ایران می‌تواند در کنار راه حل‌های داخلی که برای عبور از پیامدهای بحران مالی جهانی برمی‌گزیند به صدور گواهی سپرده ارزی مدت دار و یا انتشار اوراق قرضه ارزی بین‌المللی به منظور تامین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری خود اقدام نماید (تقوی، مهدی؛ ۱۳۹۰). اکنون اقتصاد ایران علاوه بر منابع ارزی خارجی به فناوری و دانش روز دنیا نیز برای بهره‌گیری در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی خود نیاز مبرم دارد (حسنی مقدم، سید روح ا...؛ ۱۳۸۵).

ج) تدابیر حقوقی در جهت جلب سرمایه‌گذاری خارجی

امروزه گستره و افزایش دامنه هرگونه حرفه و حرف، فعالیت تجاری و اقتصادی اعم از ملی و بین‌المللی سبب گشته، چارچوب حقوقی معقول و مناسبی که تضمین‌کننده ساختار، عملکرد، آثار یا فعالیت در آن زمینه باشد، در ایران نیز پس از مباحث فراوان درخصوص قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، این قانون در سال ۱۳۸۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید (آذری، مصطفی؛ ۱۳۸۷).

در قوانین جدید سرمایه‌گذاری در جوامع در حال توسعه، سمت و سوی قوانین مزبور عموماً به سوی آزادسازی سرمایه‌گذاری است. در این نظام‌ها حتی الامکان سعی بر آن است که مقررات دست و پاگیر حذف شود و استفاده از استانداردهای در حد بالا در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی گسترش یابد (همان، ص ۲۷).

د) ورود سرمایه و استقرار مالکیت

در ماده ۵ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی ایران، «سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران»^۱ تنها نهاد رسمی تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی است و درخواست‌های سرمایه‌گذاران درخصوص امورذیربط از جمله پذیرش، ورود، بکارگیری و خروج سرمایه می‌باید به آن سازمان تسلیم گردد که پس از تقدیم درخواست، سازمان مکلف است حداکثر ظرف ۱۵ روز درخواست را همراه با نظریه خویش در هیأت مذکور^۲ در ماده ۶ مطرح نماید (حسن‌زاده، محمد (۱۳۸۷)).

۱- سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران در تیرماه سال ۱۳۵۴ و به منظور هدایت و انجام مجموعه‌ای از وظایف، که پیشتر توسط دستگاه‌های مختلف اجرائی به انجام می‌رسید، تأسیس گردید. مجموعه وظایف محوله به سازمان نوعاً به امور بین‌المللی و روابط خارجی کشور مربوط می‌گردند.
 ۲- شامل: شورای عالی سازمان، هیئت فنی، رئیس کل.

همچنین ماده ۱۱ قانون، متضمن مقرراتی در باب نحوه ورود سرمایه و نحوه پوشش آن و ماده ۱ قانون و مواد ۱، ۷، ۸، ۹، ۱۰ نیز در مورد بخشی از موازین ناظر به نحوه ارزیابی سرمایه‌های خارجی و نحوه ورود سرمایه و تشریفات آن به کشور پیش بینی گردیده است (آذری، مصطفی؛ ۱۳۸۷).

ه) تسهیل شیوه‌های انتقال سود و سرمایه به خارج

آنچه مسلم است، این که است هر کشور متناسب با سیاست‌های اصولی خود، نظام پولی مشخصی را طراحی و بدان عمل می‌نماید.

ر ماده ۴ قانون سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۴۳، امکان خروج سود ویژه حاصل از بکار بستن سرمایه به میزان مقرر در آئین نامه و به میزان ارزی که به ایران وارد شده، پیش بینی شده بود. در قانون جدید سرمایه‌گذاری مصوب ۱۳۸۰، در ماده ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ این قانون، امکان انتقال و خروج سرمایه و سود آن پیش بینی گردیده است (همان، ص ۳۰).

ممنوعیت سلب مالکیت یا پرداخت غرامات

مخاطرات احتمالی ناشی از نابسامانی‌های سیاسی، از عمده نگرانی‌های سرمایه‌گذاران خارجی محسوب می‌شود بنابراین سیاست کشورها در جهت رفع این نگرانی و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، مختلف است. عده‌ای از کشورها اصولاً هرگونه سلب مالکیت از سرمایه‌گذار خارجی را ممنوع کرده اند و اجازه سلب مالکیت یا ملی کردن اموال بیگانگان را تحت هیچ شرایطی نمی‌دهند (حسنی مقدم، سید روح ... ۱۳۸۵).

در ماده ۹ قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی در ایران مصوب ۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۸۱، مقرر شده است:

سرمایه‌گذاری خارجی مورد سلب مالکیت و ملی شدن قرار نخواهد گرفت مگر برای منافع عمومی به موجب فرایند قانونی به روش غیر تبعیض آمیز (همان، ص: ۱۸). که امکان توسل به داوری در مقام حل و فصل اختلاف شیوه‌های رسیدگی و حل اختلاف نسبت به یک موضوع متعدد است. ممکن است با توسل به یک مرجع قضایی و از طریق دادرسی‌های مقرر در دادگاه ملی، به اختلاف حادث رسیدگی شود و یا با توسل به یک مرجع شبه قضایی و در قالب نهاد داوری به موضوع رسیدگی شود؛ و نیز ممکن است با استفاده از یک روش غیرقضایی مانند میانجیگری، اختلاف مطروحه حل و فصل شود (ایزدی، محسن، ۱۳۸۷).

توسل به داوری آن هم از نوع بین‌المللی، بهترین مکانیسمی است که باعث حصول اطمینان بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی شده و به عنوان یک مؤلفه مؤثر در نهایت باعث جذب هرچه بیشتر و بهتر سرمایه‌های خارجی خواهد شد؛ زیرا اصولاً خارجیان به دادگاه‌های ملی مستقر در کشور سرمایه‌پذیر و نحوه دادرسی آنها و حقوقی که از حیث شکلی و ماهوی به تشخیص این دادگاه‌ها قابل اعمال تشخیص می‌شود اعتماد ندارند و نفع و مصلحت خویش را در توسل به یک داوری بین‌المللی می‌دانند (همان، ص: ۱۵۴).

تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران که براساس قانون نمونه داوری "آنسیترال" کمیسیون سازمان ملل متحد برای تجارت بین‌الملل تدوین شده است گامی در راستای نهادینه کردن داوری در کشور ما به حساب می‌آید. بسیاری از قوانین در این رابطه به داوری‌هایی که در سطح گسترده در زمینه تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد اشاره دارند که از آن جمله می‌توان به داوری از طریق مراکز حل و فصل اختلاف سرمایه‌گذاری "یکسید" یا دیوان بین‌المللی داوری^۱ اتاق بازرگانی بین‌المللی^۲ و داوری از طریق قانون نمونه

1- ICA
2- ICC

آنسیترال^۱ اشاره کرد (ایزدی، محسن ۱۳۸۷).

به نظر می‌آید برای کارآمد کردن نظام سرمایه‌گذاری خارجی لازم است که با توافق کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و یا کمتر توسعه یافته و با در نظر گرفتن کلیه ملاحظات اقتصادی و حقوقی و توأم با تأمین یک فضای سیاسی مطمئن، حداقل در مورد سرمایه‌گذاری خارجی، یک راهکار جهانی اتخاذ شود (تقوی، مهدی، ۱۳۹۰).

امروزه جریان سرمایه‌گذاری‌های خارجی از شاخص‌های مهم فرآیند جهانی شدن اقتصاد است. جدای از اهمیت این پدیده، بسیاری از کشورهای در حال توسعه که از فقدان منابع مالی داخلی رنج می‌برند، بهره‌گیری از منابع خارجی را برای تداوم برنامه‌های توسعه اقتصادی خود ضروری می‌بینند. این منابع به دو شکل سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام می‌شود که در نوع غیرمستقیم یعنی سرمایه‌گذاری براساس استقراض، گرفتن وام، خرید اوراق قرضه و سایر مطالبات بلندمدت از دولت‌ها، نهادهای مالی بین‌المللی و غیره صورت می‌گیرد (غنی‌زاده، موسی و نواب، مهدی؛ ۱۳۸۰).

در نوع مستقیم که افعی‌ترین نوع سرمایه‌گذاری خارجی است و یکی از چرخه‌های اقتصاد جهانی نیز به شمار می‌آید. در این نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران خارجی به شکل مستقل یا مشارکتی در تولید و ساخت کالا، استخراج مواد اولیه و سایر مراحل فعالیت اقتصادی در کشور میزبان حضور می‌یابند.

قواعد ضمانت حقوق سرمایه‌گذاران در شرایط بحرانی

یکی از موارد مهمی که در خصوص امنیت ملی و فراملی در جوامع بین‌المللی نقش بسزایی ایفا می‌کند رعایت حقوق سرمایه‌گذاران می‌باشد. پژوهش‌های

1- UNCITRAL

صورت گرفته در این خصوص مؤید این واقعیت می‌باشد که رعایت حقوق سرمایه‌گذاران یکی از مهمترین عوامل ایجاد ثبات و امنیت محسوب می‌گردد. از اینرو در این مقاله به سه استاندارد رفتاری که می‌تواند ضامن حقوق سرمایه‌گذاران بین‌المللی در طول بحران‌های اقتصادی باشد، اشاره می‌گردد.

الف) استاندارد رفتار ملت کامله الوداد

از آنجا که استاندارد رفتار ملت کامله الوداد که محل ممنوعیت تبعیض میان دو بیگانه است و نیز بدان دلیل که تبعیض در دوران بحران اقتصادی از ناحیه دولت میزبان سرمایه، معمولاً میان بازیگر داخلی و بیگانه صورت می‌گیرد و نه دو بیگانه از استاندارد مذکور، از مقررات عمده مورد نقض در دوران بحران نیست، لیکن در زمانی که دولت میزبان برای رهایی از بحران امتیازاتی را به نفع شرکای تجاری که ادامه سرمایه‌گذاریشان به شکل قبل، اثر منفی بر کنترل بحران نخواهد داشت و به ضرر شرکایی که ادامه رفتاری قبلی با آن‌ها بحران را دامن خواهد زد، برای جبران خسارت وارده سرمایه‌گذاران (زیان دیدگان) می‌توانند به این استاندارد رفتاری مراجعه نمایند (غنی‌زاده، موسی و نواب، مهدی؛ ۱۳۸۰).

ب) استاندارد رفتار ملی

پرونده‌های "اس دی میرز"، "پوپ" و "تالبوت" علیه کانادا، "فلدمن" علیه مکزیک ۲۰۰۲، که تحت قواعد نفتاً^۱ به آنها رسیدگی شد از اولین قضایایی محسوب می‌شوند که وجود اوضاع و احوال برابر را برای مقایسه میان بازیگر داخلی و خارجی اقتصادی جهت احراز نقض استاندارد رفتار ملی ضروری دانسته‌اند. بر اساس همه‌آرای فوق، دو بازیگر خارجی و داخلی مورد مقایسه باید کاملاً هم‌سنگ یکدیگر باشند. این روند در رویه‌های بعدی به همان شکل ادامه نیافت، مثلاً

در پرونده "آکسید نتال" علیه اکوادور ۱۹۹۳ دیوان داوری بین‌المللی لندن میزان کاملاً کمتری از مشابهت را میان دو بازیگر اقتصادی مورد تطبیق از منظر استاندارد رفتار ملی ضروری دانست.

عنصر دیگری که هر محکمه داوری سرمایه‌گذاری در احراز نقض استاندارد رفتاری (رفتار ملی) بررسی خواهد کرد قائل شدن یک امتیاز و اعمال رفتاری (مطلوب تر) از سرمایه‌گذار خارجی نسبت به بازیگر داخلی است. تقریباً همه نظریه پردازان و محاکم بین‌المللی سرمایه‌گذاری خارجی با این مسئله موافق اند که نه تنها اقدام مطلوب تریه نفع بازیگر اقتصادی داخلی می‌تواند به نقض استاندارد رفتار ملی منجر شود بلکه اقدامات حمایتی و جبرانی (موقت) دولت نیز می‌تواند مبنای طرح دعوی و مطالبه خسارت از ناحیه سرمایه‌گذار شود. رویه سازمان تجارت جهانی و همچنین نفتا نیز در دعاوی مختلف سرمایه‌گذاری بر نظر فوق تأکید ورزیده است. داوری نفتا در "قضیه فلدمن"^۱ در مقابل دولت مکزیکی صریحاً اذعان می‌کند تفاوت صرفاً موقت در رفتار نیز می‌تواند تخلف از استاندارد رفتار ملی مندرج در ماده ۱۱۰۲ معاهده تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) توسط دولت را رقم بزند (مؤمنی‌راد، احمد و قاسم‌زاده، مجید؛ ۱۳۹۴).

با همه سوابق فوق، استفاده از معیار ذهنی تا به امروز در احراز نقض استاندارد رفتاری، رفتار ملی در میان محاکم بین‌المللی سرمایه‌گذاری متداول نبوده است و یکی از مهم‌ترین دلایل آن همین مبهم بودن آستانه و حد ضرورت و اهمیت برای جواز رفتار تبعیض آمیز به نفع بنگاه اقتصادی داخلی است. داوری ایکسید نیز در قضیه‌زیمنس علیه جمهوری آرژانتین ۲۰۰۷ به پیروی از دیوان داوری بین‌المللی لندن در پرونده آکسیدنتال علیه اکوادور ۲۰۰۴ در رأی خود تصریح کرد:

«انگیزه در احراز تبعیض، تعیین‌کننده و اساساً ضروری نیست. بلکه در تشخیص

۱- دعوی آقای ماروین فلدمن (Marvin Feldman) در خصوص استفاده از قوانین مالیاتی مکزیکی در رابطه با صادرات تنباکو

(تبعیض) تنها عامل مؤثر نتیجه و آثاری است که به نفع بنگاه اقتصادی داخلی در مقابل منافع خارجی وی قرار می‌گیرد»^۱

به همین ترتیب داوری نفتا در «قضیه تاندربرد»^۱ علیه مکزیک در سال ۲۰۰۶ خواهان را در اثبات نقض استاندار رفتار ملی ملزم به اثبات انگیزه دولت در حمایت از اقتصاد ملی نکرد و فقط اثبات وجود رفتار مطلوب تر به نفع بازیگر اقتصادی داخلی را برای نقض استاندارد مذکور بدون اشاره به انگیزه کافی دانست (مؤمنی‌راد، احمد و قاسم‌زاده، مجید؛ ۱۳۹۴).

ج) استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه

سه رفتار عمده‌ای که به صورت سنتی و بر مبنای استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه همواره اقامه‌ی دعوی سرمایه‌گذاران خارجی علیه دولت‌ها را به دنبال داشته عبارت است از رفتار تبعیض آمیز، دسترسی نداشتن به دادرسی عادلانه، شفاف نبودن نظام حقوقی. مصادیق دیگری از نقض استاندارد مذکور، که بنیادی‌ترین استاندارد رفتاری حقوق بین الملل سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود، همچون تهدید و اجبار و عدم ایفای تعهدات قراردادی نیز از موارد دعاوی در محاکم بین المللی شناخته شده است (همان، ص ۱۵).

هدف اصلی از ایجاد استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه و درج ضمن موافقت نامه‌های دوجانبه بین المللی سرمایه‌گذاری، حمایت از سرمایه‌گذار در برابر رفتار تبعیض آمیز دولت میزبان سرمایه است. دادگاه داوری در «قضیه یورکو»^۲ علیه دولت لهستان (۲۰۰۵) صریحاً رفتار تبعیض آمیز را دست مایه احراز نقض

۱- دعوی شرکت بین‌المللی بازی تاندربرد (International Thunderbird Gaming Corporation) در خصوص نقض تعهدات تحت پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی از سوی مکزیک.

۲- (Urko). در ارتباط با خصوصی سازی یک شرکت بیمه لهستانی و دعوی در خصوص اقدامات بعدی دولت لهستان که نافی حاکمیت سرمایه‌گذاران در این شرکت پس از خصوصی سازی بوده است.

استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه توسط دولت لهستان می‌شناسد و رابطه‌ی مستقیمی از مفهوم مذکور و نقض استاندارد فوق به دست می‌دهد. متناقض‌نمایی، که با مطالعه‌ی مجموع آرای بین‌المللی سرمایه‌گذاری در ارتباط با اصل عدم تبعیض و استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه آشکار می‌شود آن است که عدم جواز اعمال تبعیض هسته و بنیان دو استاندارد رفتاری وابسته (رفتار ملی) و (رفتار ملت کامله الوداد) به شمار می‌رود و اساساً به همین دلیل است که اصل مذکور در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری فقط در حد یک اصل و نه به عنوان یک استاندارد تمام‌عیار به رسمیت شناخته شده است.

بنابراین سرمایه‌گذار نیازمند حمایت تحت پوشش استاندارد رفتاری است تا بتواند از وی در مقابل دگرگونی‌های تبعیضی از جمله بر مبنای میزان در آمد، صنف استفاده از مواد اولیه خاص و ... محافظت کند کما اینکه در بخش ۱۱ سرمایه‌گذاری موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی نفتا نیز به رفتار منصفانه و عادلانه با عنوانی مجزا از استاندارد رفتار ملی (ماده ۱۱۰۲) و رفتار ملت کامله الوداد تصریح شده است. به این مسأله در رأی شعبه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «السی»^۱ نیز تاکید شده است.

قضایای مختلف «اس پی پی»^۲ علیه دولت مصر در سال ۱۹۹۲، «متال کلد»^۳ علیه دولت مکزیک در سال ۲۰۰۰، «مفزینی»^۴ علیه دولت اسپانیا در سال ۲۰۰۰، «سی ام

۱- نام یک شرکت ایتالیایی (Elettronica Sicula S. P. A) است. این قضیه مربوط به دعوی بین ایالات متحده و ایتالیا در خصوص نقض قوانین مقررات خاصی از معاهدات مربوط به ناوبری می‌باشد.

۲- دعوی مصر و SPP (southern pacific properties) در خصوص طرح توسعه گردشگری.

۳- دعوی یک شرکت آمریکایی بنام متال کلد (metalclad) که در خصوص دفن زباله در مکزیک فعالیت می‌نمود.

۴- درخواست داوری در برابر دولت پادشاهی اسپانیا به مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ICSID) توسط آقای مفزینی (Emilio Agustin maffezini) از کشور آرژانتین در خصوص سرمایه‌گذاری خود در یک شرکت تولیدی محصولات شیمیایی در اسپانیا.

اس^۱» علیه دولت آرژانتین در سال ۲۰۰۵ که همگی بر همین مبنا نقض استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه را از طرف دولت خوانده بررسی کرده‌اند. به نظر می‌رسد که این بخش از مجموعه زمینه‌های نقض استاندارد رفتاری مورد بحث در شرایط بحران مالی جهانی، رشد در خور توجهی داشته باشد زیرا دولت‌ها برای مقابله با بحران اقتصادی جهانی و جلوگیری از گسترش آن حتی در قوانینی که نوعی تبعیض را به صورت جزئی یا کلی میان بنگاه‌های اقتصادی مختلف فعال در حوزه صلاحیتشان اعمال می‌کنند (مؤمنی‌راد، احمد و قاسم‌زاده، مجید؛ ۱۳۹۴).

زمینه دیگری که می‌تواند به «نقض استاندارد رفتار منصفانه و عادلانه» منجر شود دسترسی نداشتن به دادرسی عادلانه است. آرای مختلف داوری سرمایه‌گذاری از جمله «آزینین^۲» در سال ۱۹۹۹، «متال کلد» علیه مکزیک در سال ۲۰۰۰، «میدل ایست سیمنت^۳» علیه مصر در سال ۲۰۰۲ و «تاندربرد» علیه مکزیک در سال ۲۰۰۶، این عنصر را در افق نقض رفتار عادلانه و منصفانه توسط دولت‌ها مفصلاً بررسی کرده‌اند. با این وجود، این عنصر نیز در اقدامات احتیاطی، پیشگیرانه و همچنین اقدامات مبارزه با بحران و جلوگیری از تسری آن که پس از بروز بحران اجرا می‌شوند در معرض نقض دولت‌ها حداقل به نحو معناداری با دوران پیش از بحران متفاوت به نظر نمی‌رسد، زیرا عمده قوانین و مقررات اضطراری که دولت‌ها در اثنا

- ۱- یک شرکت آمریکایی انتقال گاز با نام CMS که مالک ۳۰ درصد از شرکت TNG (یک شرکت انتقال گاز آرژانتینی) می‌باشد به علت سلب مالکیت بدون غرامت و رفتار تبعیض آمیز از سوی آرژانتین، علیه این کشور اقدام به طرح دعوی به ICSID نموده است.
- ۲- دعوی آقای رابرت آزینین (Robert Azininan) و دیگر سهامداران در یک شرکت مکزیک (Desona) با دولت مکزیک در خصوص پروژه جمع‌آوری و دفع زباله در شهرستان ناوکالپان (Naucalpan) مکزیک.
- ۳- سیمان خاورمیانه (Middle East Cement) یک شرکت یونانی است که شعبه‌ای را در مصر جهت اجرای فعالیت‌های تجاری از قبیل ذخیره‌سازی و صادرات سیمان برای کمتر از ۱۰ سال ایجاد نمود که این شرکت به دلیل وضع قوانین جدید دولت مصر در خصوص واردات و صادرات سیمان، شکایت خود را به ICSID تسلیم نمود.

و متعاقب بحران‌های اقتصادی تا به امروز به تصویب رسانده اند در خود مقررات نیز حل اختلاف را پیش بینی کرده اند، مثلاً در همه قوانین و مقررات ضد بحران آلمان و ایالات متحده آمریکا، اجرای اضطراری قوانین با پیش بینی رسیدگی‌های ویژه و سریع نیز همراه بوده است (مومنی‌راد، احمد و قاسم‌زاده، مجید؛ ۱۳۹۴).

نتیجه‌گیری

بحران اقتصادی در یک جامعه ی مفروض، پدیده‌ای است که نظم اقتصادی آن جامعه را بر هم می‌زند، چون نظم اقتصادی به هم خورد، نظم و امنیت اجتماعی و سیاسی را متأثر می‌کند. درجه تأثیر به شدت بحران بستگی دارد که در صورت شدت می‌تواند انقلاب یا کودتا را به همراه داشته باشد که هر یک از این وقایع به تنهایی می‌تواند صلح و امنیت ملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی را به مخاطره اندازد. لذا بحرانی که در سال ۲۰۰۸ ایجاد شد از آمریکا آغاز و به اقصی نقاط جهان گسترش یافت. این پدیده جهانی فقط کشورها، شرکت‌های ملی و فراملی را هدف قرار نداد بلکه اشخاص خصوصی را نیز متأثر نمود تا جایی که خانواده‌هایی به علت از دست دادن شغل دست به خودکشی دسته جمعی زدند.

همانگونه که اشاره شد این موضوع جنبه جهانی و بین‌المللی دارد و بازیگران این سناریو کشورها و سازمان‌های بین‌المللی هستند، در واقع این نظم حقوق بین‌الملل است که می‌تواند نظم سیاسی و اقتصادی را سامان بخشد و مهمترین نقش را در بحران‌های اقتصادی داشته باشد، البته نمی‌توان نقش مؤثر و بالای سازمان ملل را در ارتباط با این موضوع نادیده گرفت.

شورای امنیت می‌تواند به عنوان مسؤل اولیّه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، بحران‌های اقتصادی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرده و تصمیمات مقتضی بعمل آورد. در اینجا دولت تهدید کننده‌ای به ظاهر وجود ندارد

بلکه نفس بحران تهدید کننده است. شاید ورود شورای امنیت در این مقولات موجب تحول مفهومی در مقوله صلح و امنیت شود (شایگان، فریده؛ ۱۳۸۰).

همانگونه که اشاره شد در کنار کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، بازیگران دیگری مانند اشخاص و شرکت‌های فراملی هستند که به عنوان سرمایه‌گذار خارجی در سایرکشورها اقدام به فعالیت‌های اقتصادی می‌نمایند که در مواقع بحران ممکن است از طریق کشور میزبان مورد تبعیض رفتاری قرارگیرند که در اینجا سرمایه‌گذار طبق قوانین حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، در صورتی که کشور میزبان سرمایه، استانداردهای رفتاری را نسبت به سرمایه‌گذاران رعایت ننماید، می‌تواند علیه آن کشور اقامه دعوا نماید،

درواقع علل بحران‌های اقتصاد جهانی هرچه باشد، خود بحران می‌تواند تمام جنبه‌های زیست اجتماعی را متاثر کند، لذا جامعه بین‌المللی بخصوص دولت‌ها برای تقابل باید، ضمن تعامل، همکاری، هماهنگی و همبستگی با یکدیگر و استفاده از ابزارها و نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و غیره می‌بایست حداکثر تلاش خود را در این زمینه بکارگیرند، هرچند تاکنون تلاش‌ها و راه‌کارهایی در این زمینه صورت گرفته است لیکن با توجه به افزایش دامنه تحولات جهانی و شبکه‌ای شدن جهان معاصر که همواره می‌تواند شرایط را برای بحران‌های اقتصادی فراهم نموده تا بر موسسات مالی و اعتباری به عنوان زیر شاخه‌ای از اقتصاد جهانی تاثیر گذار باشد، به نظر می‌رسد این تلاش‌ها کافی نبوده و باید تغییرات و اصلاحاتی در این نهادها با امعان به علوم روز صورت گیرد، به عنوان مثال صندوق بین‌المللی پول که بهترین نهاد برای مقابله عملی با بحران‌های اقتصادی می‌باشد همگام با این تحولات گام بر نداشته است و ساختار کنونی آن نمی‌تواند جوابگوی نیازهای فعلی جامعه‌ی جهانی باشد بنابراین نیاز به تغییر و اصلاح ساختار آن ضروری است تا بتواند بیشتر نقش پیشگیری را بازی کند تا درمان.

نظام‌های پولی و مالی بین‌المللی نیز به عنوان شاخه‌ای از نظام اقتصادی می‌توانند نقش موثری در صلح و امنیت بین‌المللی داشته باشند. در دهه‌های اخیر پیچیدگی نظام اقتصاد جهانی و درهم تنیدگی نظام‌های مالی و پولی به‌عنوان یکی از نمادهای اصلی جهانی شدن اقتصاد، بیشتر شده است. لذا بحران‌های مالی می‌تواند به سرعت به بحران اقتصادی تبدیل شده و امواج آن دیگر لایه‌های اقتصادی چون تجارت، مالیه، سرمایه‌گذاری، بورس، بانکداری و بازار کالا و خدمات را تحت سیطره خود قرار دهند، به بیان دیگر بحران نظام پولی و مالی بین‌المللی با صلح و امنیت بشری گره خورده است به طوری که « برنامه توسعه سازمان ملل » امنیت بشری را با زنجیره‌ای از امنیت شامل امنیت اقتصادی و مالی، امنیت غذایی، امنیت بهداشتی، امنیت زیست محیطی، امنیت فردی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی همراه می‌داند، بنابر این می‌توان گفت که ثبات نظام پولی و مالی بین‌المللی با امنیت، صلح و توسعه مرتبط است و به خطر افتادن آن در حوزه‌های مزبور، گسترش گرسنگی، فقر، بیماری و تمایل خیل عظیم آسیب دیدگان به خشونت برای تصاحب بیشتر منابع را به همراه خواهد داشت (واعظی، محمود؛ ۱۳۸۸).

از دیگر عوامل اقتصادی که می‌تواند زمینه بروز و شدت بحران‌ها را افزایش دهد رونق و رکود اقتصادی است، رونق و رکود اقتصادی که جزء جدایی ناپذیر نظام سرمایه داری است همواره در طول تاریخ به طرق مختلف بروز و ظهور نموده و توانسته در شرایطی به یک بحران فراگیر تبدیل شود، به عنوان مثال در بحران سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ عملکرد ضعیف اقتصاد آمریکا در بازار مسکن و بازارهای مالی، اقتصاد جهان را در معرض رکود گسترده‌ای قرار داد (عادلی، محمد حسین؛ ۱۳۸۷).

درخصوص تأثیر این بحران بر اقتصاد ایران، چنانچه ما اقتصاد ایران را به عنوان یک اقتصاد باز کوچک یا اقتصاد بسته‌ای که مراودات بین‌المللی در آن کم است در نظر بگیریم با توجه به ضریب وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفت و گاز، این

بحران بر اقتصاد ایران تاثیر گذار می‌باشد زیرا حجم انبوهی از کالاهای وارداتی با استفاده از درآمدهای نفتی خریداری می‌شوند و از سوی دیگر تجهیزات، کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه مورد نیاز برای تولید کالاهای صادراتی نیز از محل دلارهای نفتی تامین می‌شود، در واقع کاهش در آمد نفتی در اقتصاد کشور، فشار به نرخ ارز، پایان دوره واردات آسان و افزایش بهای تمام شده واردات را به بار می‌آورد. این عوامل از یک سو، باعث کاهش واردات و از سوی دیگر باعث تشدید تورم از ناحیه عرضه می‌شوند (رحیمی، غلامعلی؛ ۱۳۸۷). البته امروزه وابستگی شدید اقتصاد ایران به منابع نفتی به عنوان حادثترین مسائل کشور، علاوه بر جنبه اقتصادی، می‌تواند سایر جنبه‌های دیگر از جمله اجتماعی، سیاسی و امنیتی را تحت تأثیر قرار دهد (سیف‌لو، سجاد، اقتصاد مقاومتی؛ ۱۳۹۳). لذا مردمی شدن اقتصاد یا به تعبیر دیگر اقتصاد مقاومتی می‌تواند به عنوان یک نظام اقتصادی هماهنگ با سایر مقوله‌های سیاسی و امنیتی نقش موثری در مقابله و مقاومت در برابر فشار، تحریم‌ها و تحولات جهانی از جمله بحران‌های اقتصادی ایجاد نماید به تعبیر دیگر اقتصاد مقاومتی را نمی‌توان صرفاً مقاومت اقتصادی دانست بلکه ایجاد امنیت و ثبات در اقتصاد از دیگر شاخص‌های آن می‌باشد؛ زیرا اجرای اقتصاد مقاومتی در ایران می‌تواند علاوه بر ثبات اقتصادی، نقش مؤثری را در دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار مانند امنیت بخصوص در بعد غذایی (میلانی، جمیل، اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۴) را در برابر شوک‌های داخلی و خارجی از جمله بحران‌های اقتصادی ایفاء نماید.

پیشنهادها

امروزه، نقش و تاثیر جهانی شدن بر کلیه بخش‌ها بخصوص بخش اقتصادی باعث شده هرگونه اختلال در هر یک از زیرمجموعه‌های آن به دلیل شبکه‌ای عمل کردن، به بحرانی بزرگ تبدیل شود و با سرایت به آخرین حلقه‌های این چرخه

- منجر به نارضایتی، کودتا، انقلاب و در نهایت جنگ‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شود و صلح و امنیت بین‌المللی را مورد تهدید قرار دهد. لذا در این مقاله برای تقابل با اثرات مخرب این پدیده جهانی، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:
- ۱- تشکیل صندوقی تحت عنوان بیمه‌ی سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان.
 - ۲- ترسیم نقشه‌ای بلندمدت و منضبط در ساختار مالی کشورها بخصوص کشورهای دارای اقتصاد بزرگ.
 - ۳- توجه کشورها به نوآوری و خلاقیت به عنوان کلید طلایی گذر از بحران.
 - ۴- اختصاص یک درصد از بودجه هر کشور به عنوان حاشیه‌ای امن برای مدیریت کردن بحران‌ها بخصوص بحران‌های اقتصادی.
 - ۵- ایجاد زیرساخت‌های سالم حداقل برای کوتاه مدت با هدف گذر از بحران.
 - ۶- ایجاد تنوع درآمدی از سوی کشورها برای کاهش اثرات بحران اقتصادی.
 - ۷- توجه مسوولین به فرهنگ سازی، آموزش و ترویج اقتصاد مقاومتی در بین آحاد مردم بخصوص فعالان اقتصادی به عنوان یک اهرم کارآمد در تقابل با بحران‌های اقتصادی.

منابع

۱. آذری، مصطفی (۱۳۸۷)، بررسی تحولات بحران در اقتصاد آمریکا، تهران: انتشارات موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۲. اشرافی، داریوش (۱۳۹۳). تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۲.
۳. امیدوارنیا، محمدجواد (۱۳۸۱)، امنیت در قرن بیست و یکم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۴. امین آبادی، محمد (۱۸ تیر ۱۳۹۴)، اتحادیه اروپا در برزخ، روزنامه کیهان، شماره ۲۱۱۰۳، ص ۸
۵. ایزدی، پیروز (۱۳۹۴)، یونان در برابر لحظه سرنوشت، سی و چهارمین گزارش مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران.
۶. ایزی، محسن (۱۳۸۷)، پیدایش و گسترش بحران مالی در جهان و اثرات آن بر اقتصاد ایران، تهران: انتشارات موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۷. بلورفروشان، محسن (۱۳۸۷). بحران جهانی و اقتصادی ایران، ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی اقتصاد ایران، سال یازدهم، شماره ۱۲۰.
۸. بلورفروشان، محسن (۱۳۸۷)، بحران جهانی و اقتصاد جهانی، تهران: انتشارات میزان.
۹. تقوی، مهدی (۱۳۹۰)، رابطه نرخ سود بانکی و تولید در اقتصاد ایران، تهران: انتشارات دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۰. جلالی، محمود (۱۳۸۳)، حل و فصل دعاوی سرمایه‌گذاری از طریق داوری ایکسید و ضرورت الحاق ایران، فصلنامه آموزه‌های فقهی الهیات و حقوق، شماره ۱۳.
۱۱. حسن زاده، محمد (۱۳۸۷)، نگاهی به بحران‌های مالی و تأثیر بحران اخیر بر اقتصاد ایران، تهران: نشر موسسه تدبیر اقتصاد.
۱۲. حسنی مقدم، سید روح ... (۱۳۸۵)، گزارش علل و پیامدهای بحران مالی جهان و

- تأثیر آن بر شرکت بورس اوراق بهادار، ماهنامه مرکز مطالعات و پژوهشهای وزارت بازرگانی، شماره ۶.
۱۳. رحیمی، غلامعلی (۱۳۸۷)، **تحولات اقتصاد جهان** (چشم‌انداز اقتصاد جهانی)، تهران: نشر مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
۱۴. سمیعی اصفهانی، علیرضا و نیری، هومن (۱۳۹۴)، بحران اقتصاد جهانی و تأثیر آن بر اعتماد سیاسی شهروندان به کشورهای اتحادیه اروپا، **فصلنامه راهبردی جهانی** شدن، سال ششم، شماره ۱۶.
۱۵. سیف، احمدی (۱۳۸۰)، **مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی**، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۱۶. سیفلو، سجاد (۱۳۹۳)، اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیر عامل اقتصادی، **فصلنامه سیاست دفاعی**، سال بیست و دوم، شماره ۸۷، ص ۸۰.
۱۷. شایگان، فریده (۱۳۸۰)، **شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی**، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۸. صبوری، حسین (۱۳۸۷). رکود: پایدار یا ناپایدار عمیق یا در سطح؟. **فصلنامه روند اقتصادی**، شماره ۴۲.
۱۹. عادل، محمد حسین (۱۳۸۷)، بحران بحران‌ها، **فصلنامه روند اقتصادی**، شماره ۴۴،
۲۰. علمی، محمد (۱۳۸۷)، بحران مالی آمریکا و درسهای ناشی از آن، **فصلنامه اندیشکده تجارت** (سازمان توسعه تجارت ایران)، شماره ۶.
۲۱. علیپور، محمدرضا (۵ دی ۱۳۸۷)، ارائه راه کارهای منطقه‌ای کشورها برای مقابله با بحران‌های اقتصادی، **روزنامه دنیای اقتصاد**، شماره ۱۶۹۹.
۲۲. غنی‌زاده، موسی و نواب، مهدی (۱۳۸۰)، **چالش‌های سرمایه‌گذاری خارجی**، انتشارات معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی / گروه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌المللی.
۲۳. گلریزی، حسین (۱۳۶۹)، **سازمان مالی و پولی بین‌المللی**، انتشارات بانک مرکزی.
۲۴. مؤمنی‌راد، احمد و قاسم‌زاده، مجید (۱۳۹۴). راهکارهای حل و فصل اختلافات

- بین‌المللی سرمایه‌گذاری، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره یک، ۲۵. محمودی، سید محمد (۱۳۸۲)، نقش سیستم‌های اطلاعاتی در مدیریت بحران، مجله فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره ۴.
۲۶. میلانی، جمیل (۱۳۹۴)، اقتصاد مقاومتی و چالش‌های تحقق آن، مجله اقتصادی، شماره ۷ و ۸، ص ۱۰.
۲۷. نوید نیا، منیژه (۱۳۸۴)، چندگانگی امنیت، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال اول شماره ۲.
۲۸. واعظی، محمود (۱۳۸۸)، بحران اقتصادی در جهان، زمینه و ابعاد، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره یک.
29. Booth.K (1999),Three Tyrannies,in Tim dunne and NichoIas J.wheelEr (eds.), Human rights in Global Politics, Cambridge university press.
30. Constantinescu. M (2011). Defense And Security Effects of The Economic Crisis, Journal of Defense Rresource Management, vol 2. No2.
31. Crumly.B & Karon.T (2009). Is the Economic Crisis a Security Threat Too? Available at: <http://content.time.com/time/world/article/0,8599,1881492,00.html> (Accessed feb 05, 2016)
32. Goldstein. J (1992),international relation,London:Longman.
33. Habibi.T(2016).cultural and social approach to resistance economy, available at: www.ido.ir/en/pages/?id=168 (accessed aug 17, 2016)
34. Khajehpour,B(2014).Decoding Iran's 'resistance economy', available at: www.al-monitor.com/pulse/originals/2014/02/decoding-resistance-economy-iran.html (accessed aug 17, 2016)
35. Lonergan. S, (1999), Environmental Change, Adaptiam and Security, Dordrecht:kluer Academic.
36. Lucas.B & Bakrania.sh (2009). The Impact of the Financial Crisis on Conflict and State Fragility in Sub-Saharan Africa. Available at: <http://www.gsdr.org/docs/open/eirs6.pdf> (Accessed feb 01, 2016)
37. Mabee, B, Human (2003), Rights and security, International Journal of Human Rights vol.7.No.2,pp.164-178.
38. Manessiotis, B (2011). The Root-Causes of The Greek Sovereign Debt Crisis, Available at: [http://www.bankofgreece.gr/BoGDocuments/The%20rootcauses%20of%20the%20greek%20sovereign%20debt%20crisis%2005%2005%202011\(3\).pdf](http://www.bankofgreece.gr/BoGDocuments/The%20rootcauses%20of%20the%20greek%20sovereign%20debt%20crisis%2005%2005%202011(3).pdf) (Accessed feb 11, 2016)
39. Ozturk. S & Sozdemir. A (2015). Effects of Global financial crisis on Greece Economy, Available at: <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2212567115004414> (Accessed feb 22, 2016)
40. Palme. O, (1982), Common Security:A Blue for Survival,New York: Simon and Schuster,
41. Rajan.C.F (1961).united nationls And domestic jurisdiction, Oxford: Oxford university press.